ترجمه و شرح قصیدهٔ ایمان ابی‌طالب از دکتر عماد عبدالکریم سرور_ فهیمه فهیمی‌نژاد
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال سیزدهم، شماره ۴۹ «ویژه حضرت ابوطالب علیه‌السلام»، زمستان ۱۳۹۴، ص ۴۰_۵۹

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

ترجمه و شرح قصیدهٔ ایمان ابی‌طالب از دکتر عماد عبدالکریم سرور

فهیمه فهیمی‌نژاد*

چکیده: این گفتار، ترجمه و شرح قصیده عماد عبدالکریم سرور دانشمند معاصر سوری در باب ایمان ابوطالب است. در این قصیده که در پایان کتاب او *صحوة الطالب فی ردّ الشبهات عن ابی‌طالب* آمده و نوعی تلخیص کلّ کتاب به شمار است، شاعر به شیوهٔ نقضی و حلّی ایمان ابوطالب را ثابت و گزارش می‌کند. نگارنده مقاله، موارد نیازمند به شرح را توضیح داده است.

کلیدواژه‌ها: ابوطالب بن عبدالمطلب- ایمان؛ سرور، عماد عبدالکریم- قصیده؛ صحوة الطالب فی ردّ الشبهات عن ابی‌طالب (کتاب)؛ ابوطالب بن عبدالمطلب- ادبیات عرب.

*. دکترای زبان و ادبیات عرب و استاد مدعو دانشگاه آزاد تهران مرکزی FahimeFahiminejad@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

مقدمه

افراد برای بیان واقعیت‌ها و نشان دادن اعتقادات قلبی خود از ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کنند؛ شعر می‌تواند ابزار بیان احساسات حقیقی و اعتقادات شاعر باشد. شاعران علاوه بر مکنونات قلبی، به واقعیت‌های خوب و بد اجتماعی بدین وسیله اشاره کرده‌اند. یکی از قالب‌های اصیل شعر قصیده است که ذوق شاعر در آن به نمایش گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر، قدیمی‌ترین و عالی‌ترین نوع شعر عربی قصیده است، زیرا قالبی است که قافیه مصراع اول با مصراع‌های زوج یکسان است و در آن موضوعات مختلفی مطرح می‌شود؛ یعنی هر قصیده شامل موضوع اصلی (عمود قصیده) اعم از مدح، وصف، غزل و حکمت است و در همین ضمن، چند موضوع فرعی را مطرح می‌کند تا جایی که هر بیت به تنهایی قائم بذات است و می‌تواند بیانگر موضوعی خاص باشد و در کل به موضوع محتوای اصلی قصیده مرتبط باشد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: صص ۱۸۵-۱۸۱)

در این مقاله قصیده‌ای ۷۹ بیتی از شاعر معاصر عماد عبدالکریم سرور (متولد ۱۹۶۲) ترجمه و شرح شده که موضوع کلی آن مدح حضرت ابوطالب پدر حضرت علی‌علیه‌السلام از زبان یک شاعر اهل تسنن است. شاعر علاوه بر بیان موضوع اصلی، مسائل مختلفی مطرح کرده، از جمله فضائل حضرت ابوطالب و پاسخ به شبهاتی، که درباره اسلام ایشان از گذشته مطرح بوده است. شاعر هنر خود را در این زمینه‌ها نشان داده است: ۱- تسلّط به سرودن شعر و رعایت قالب قصیده ۲- دفاع از اعتقاد قلبی خویش یعنی مؤمن بودن آن جناب ۳- ابراز عشق و علاقه به ایشان و ذرّیه پاک ایشان با بیان شواهد تاریخی و استدلال.

شاعر قصیده و مناسبت آن

این قصیده توسط عماد عبدالکریم سرور (متولد حماة ۱۹۶۲)، از شاعران

شافعی مذهبِ رفاعی مشرب، اهل سوریه، صوفی و محب اهل بیت سروده شده است. نسخهٔ قصیده در انتهای کتاب "صحوة الطالب فی رد الشبهات عن ابی‌طالب" ص ۴۳۷ تا ۴۴۴ چاپ سال ۲۰۰۵/۱۴۲۶ آمده است.[۱] وی در حلب به طبابت مشغول است. او در پایان کتاب خویش می‌نویسد: استادم شیخ سید محمد ناصر سید طه حسنی رفاعی حلبی دوست داشت که این کتاب را به قصیده‌ای که سرودم خاتمه دهم. پس به فضل خدا، بعد از اینکه اسلام ایشان و علو مرتبه‌اش برایم روشن گردید، توانستم براساس نظر عالمانی چون شعرانی[۲]، سبکی[۳]، قرطبی سحیمی[۴]، تلمسانی[۵]، برزنجی، میرغنی، ابوالهدی صیادی رفاعی و احمد زینی دحلان که از بزرگان اهل سنت و جماعت هستند، این قصیده را بسرایم. (عماد عبدالکریم، ۴۳۷)

ساختار کلی هر قصیده شامل پنج رکن: مطلع، تغزل، تخلّص، تنه اصلی قصیده و شریطه و دعاست. هر پنج رکن در این قصیده مشاهده می‌شود، به ترتیب:

یکم. مطلع قصیده: خطاب به ابوطالب علیه‌السلام و اظهار ارادت به ایشان

۱- أبا طالب أیقظتَ فی کبدی الهوی ولَم أستَطِع کتمانَه أبد المَدی

ترجمه: ای ابوطالب! در درونم عشقی را بیدار کردی که هیچگاه نتوانستم آن را بپوشانم.

شرح: شاعر شعر خویش را با بیان به ارادت و علاقه به حضرت ابوطالب آغاز می‌کند و اینکه از فرط علاقه قادر به کتمان کردن آن نیست.

۱. درباره‌ی این کتاب و نویسنده‌ی آن بنگرید به مقاله دکتر مهدی مجتهدی در سفینه شماره ۴۷. (ویراستار)

۲. عبدالوهاب بن احمد بن علی حنفی، شعرانی (د، ۹۷۳ه) از علماء اهل تصوف و اهل مصر. (زرکلی، ۱۹۹۸: ۱۸۰-۱۸۱)

۳. عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی سبکی، ابونصر (د، ۷۷۱ه) قاضی القضاة و مورخ اهل مصر. (همان: ۱۸۴/۴-۱۸۵)

٤. احمد بن محمد بن علی حسنی قلعاوی منسوب به سحیمی (د، ۱۱۷۸ه) فقیه مصری. (همان: ۲۴۳/۱)

۵. محمد بن علی بن ابی شرف حسینی تلمسانی (د، ۹۱۷ه) دانشمند مغربی. (همان: ج ۲۸۹/۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

دوم. تغزّل:

بیت ۶-۲، شامل ابیاتی است که در آن از معشوق، جدایی، جور و ستم زمانه و بی‌وفایی سخن می‌رود تا ذهن مخاطب آماده شود و خواننده را برای ادامهٔ شعر بر انگیزد. به این ابیات تغزل یا نسیب گفته می‌شود. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵:۲۳۵)

۲- و تأمرنی بالصبر و الحبُّ فاضح و نیرانُ شوقی فی فُؤادی قد استوی

ترجمه: مرا امر به صبر می‌کنی، در حالی که عشق و آتش شوقی که در قلبم جایگزین شده، رسوا کننده است.

۳- و عندی أنَّ الکتمَ أقوی بلیةٍ و إن أشرح البلوی یُهاجِمُنی العدا

ترجمه: پوشاندن (علاقه و شوقم) سخت‌ترین مصیبت برای من است، چرا که اگر این مصیبت را شرح دهم، دشمنان به من هجوم می‌آورند.

۴- فقلبی علی جمرالهوی مُتقلّب و کتمی عن الإفصاح حاورنی التّوی

ترجمه: قلبم با اخگر عشق دگرگون شده و فاش نمودن عشقم مرا به هلاکت انداخته است.

۵- فما لی وللعذّال إن شُرح العنا سأفضح ما عانَیتُ مِن ألمٍ سجا

ترجمه: اگر رنج شرح داده شود، بر من و سرزنش کنندگان من چه خواهد گذشت؟ زیرا من آنچه را که از درد طولانی تحمل کردم، افشا خواهم کرد.

۶- سأفضح ما یُضنی و ان عاذلی سأی وأفضی الی الخلّاق وافٍ اذا وأی

ترجمه: آنچه که مرا لاغر و نحیف کرده، افشا خواهم کرد، اگرچه سرزنش کننده‌ام به سرعت عبور کرده و رفته است. و من در نهایت به پروردگار می‌رسم، پروردگاری که کریم و وفا کنندهٔ به عهد است.

شرح: "وافٍ اذا وأی" اشاره به این ضرب المثل دارد: "الکریم اذا وعد وفی". شاعر به صفت کریم بودن خداوند اشاره می‌کند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

سوم. تخلّص

به بیت یا ابیاتی که وسیلهٔ ارتباط مقدمهٔ قصیده با موضوع اصلی هستند "تخلّص" می‌گویند، زیرا شاعر به کمک آن خود را از مقدمه خلاص می‌کند و وارد موضوع اصلی می‌شود. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵:۲۶۸)

بیت ۱۰-۷، شاعر را دوباره به موضوع اصلی خودش یعنی مدح حضرت ابوطالب بر می‌گرداند.

۷- عرفتُ بک الاخلاق ما اشتملت أتمّــ مها حیثما قالوا: أراک أبا العُلا

ترجمه: با تو اخلاق را شناختم، آنچنان که کامل‌ترینش را شامل شدی، آن زمان که گفتند: تو را ابوالعلا (صاحب بزرگی) یافتم.

شرح: "أری" از افعال مقلوب است و در واقع دو مفعول آن حکم مبتدا و خبر را دارند. (امیل بدیع یعقوب، ۱۴۳۱:۳۹) أراک اباالعلاء یعنی "أنتَ ابوالعلاء". در واقع تمام بزرگی و عظمت در توست و فقط تو را شامل می‌شود.

۸- ففی کل قلبٍ صورة مِن خیالکم وفی حُرّ حبّکم أبداً سری

ترجمه: در هر قلبی، از رویای شما تصویری وجود دارد و در وجود هر آزاده‌ای عشق شما همیشه جریان دارد.

۹- و فی کل قلبٍ نابضٍ عرف الوفا و کلُّ ابن شهم مِن شوؤناتکم حوی

ترجمه: هر قلب تپنده‌ای که وفاداری را شناخته و هر سلحشوری، افسون شدهٔ شأن و منزلت شماست.

۱۰- أبا طالبٍ علّمتنی أدبَ الهوی بأخلاقکَ الحُسنی و حبّک للنّدی

ترجمه: ای ابوطالب! تو با اخلاق نیکو و عشق و علاقه‌ات به بخشش و کرم، به من آداب عشق‌ورزی را آموختی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

چهارم. پیکرهٔ قصیده

این بخش اصلی‌ترین بخش قصیده است، زیرا مقصود اصلی شاعر را در بر دارد. در واقع شاعر به مدح ممدوح و ستایش خصلت‌های نیکوی او، زبان می‌گشاید.

۱۱- لقد کنتَ للاسلام رُکناً و ساعداً أقمتَ له البنیانَ عشراً و ماارتمی

ترجمه: برای اسلام رکن و یارو و یاور بوده‌ای و برای پیامبر، بنیانی ده ساله بنا کردی و او را نگاهبان شدی.

شرح: "عشراً" در اینجا اشاره است به ده سالی که ابوطالب علیه‌السلام با پیامبر در طی زمان بعثت با ایشان می‌زیست.

۱۲- حمیتَ حبیبَ الله من غیر منةٍ فمن قد نوی أن یُؤذه طُعم الردی

ترجمه: بدون منت، از حبیب خدا حمایت کردی، همچون کسی که نیت کرده که طعمهٔ نابودی قرار بگیرد.

شرح: شاید منظور شاعر این است که نقش حضرت ابوطالب، به دام انداختن و منحرف کردن مخالفان نبوت بوده است.

۱۳- أقول و ما یجدی النّصیحُ بأمّةٍ اضاعت أصولاً لا یُعادلها السوی

ترجمه: من سخنم را می‌گویم، اگر چه نصیحت به امّتی که اصولی را که ملاک سنجش است گم کرده، فایده و سودی ندارد.

۱۴- أخلّای مَن یُجزی صنیع ابی العُلا ابی‌طالب حامی الرسول و ما غوی؟

ترجمه: دوستان من! چه کسی تلاش‌های ابوالعُلا را پاداش می‌دهد؟ ابوالعلا یعنی ابوطالب که حامی‌رسول بود و گمراه نشد.

۱۵- أیُخلَّدُ فی النارینِ مَن سکن الشعا ب فی مکة الفیحاء مِن ألمٍ جری!

ترجمه: آیا کسی که در درّهٔ پهناور مکّه ساکن شد و به درد و رنج مبتلا گردید،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

در عذاب دنیا و آخرت جاویدان می‌شود؟

شرح: شاعر به محاصرهٔ اقتصادی و حصر پیامبر و یارانش در شعب اشاره می‌کند که اگر ابوطالب اعتقاد به خدا نداشت، چرا باید این رنج را تحمل کند؟ آیا امکان دارد بدون اعتقاد به خدا و پیامبر و روز قیامت، این سختیها را تحمل کرد؟

۱۶- جری أن طووا فی الشعب مِن ألم الجوی سنین ثلاث لم یروا أبداً قری

ترجمه: بخاطر رنج و محرومیت در شِعب، گرسنگی کشیدند و در مدت این سه سال، هرگز احترام و بزرگ داشتی ندیدند.

۱۷- و قَد مُنعِوا أن یشربوا و کذاک مث.... لما مَنعوا سبط الرسول و ما ارتوی

ترجمه: همانند کسانی که نوهٔ پیامبر (امام حسین علیه‌السلام) را منع کردند از آبی که او را سیراب کند، (محاصره‌شدگان در شعب) هم از نوشیدن آب منع شدند.

شرح: شاعر در این بیت، به واقعهٔ کربلا و تشنگی امام حسین علیه‌السلام و یارانش اشاره می‌کند که رسم این قوم ستمکار، تشنه نگه داشتن حریف است.

۱۸- و قد طلب العدنانُ منه شهادةً فأنبا بها العباسُ سراً کما حکی

ترجمه: عدنان از او گواه خواسته و عباس گواهیِ پنهانی او را خبر داد، مطابق آنچه که آن را حکایت کرد.

شرح: این بیت اشاره به گواهی عباس بن عبدالمطلب دارد. نقل شده که وقتی حضرت ابوطالب در حال احتضار بود، پیامبر از عموی خویش خواست تا ایمانش را ظاهر کند. او در پاسخ ایشان گفت: اگر ترس از قریش نبود آن را ظاهر می‌کردم. عباس می‌گوید: وقتی مرگ ایشان نزدیک شد، دیدم که حضرت ابوطالب لبهایش تکان می‌خورد و با گوش خود شنیدم که شهادتین را گفت و به پیامبر گفتم: پسر برادرم (پیامبر)، به خدا سوگند که برادرم (ابوطالب) کلمه‌ای را که به آن امر کردی گفته است (ابن کثیر، ۱۹۷۱: ج۱۲۴/۲) در بعضی اسناد آمده که عباس

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

و ابوبکر به مسلمان بودن ایشان شهادت دادند (موسوی، ۱۴۱۰ صص۲۶۷-۲۶۸)

۱۹- و قد وصل الارحام مِن آل هاشم لقد طبق الاقوالُ فعلاً کما روی

ترجمه: با قبیلهٔ بنی هاشم رابطهٔ خویشاوندی داشته است. همانطور که در روایت آمده، سخنان با فعلشان مطابقت می‌کند.

شرح: در این بیت، شاعر اصل و نسب حضرت ابوطالب را بیان می‌کند که ایشان از بنی‌هاشم است و پیامبر فرموده است: "بنوهاشم خیرالعرب و خیر البریة" (قندوزی، ۱۴۱۶: ج۲/ص۷۵)

۲۰- کما فی حدیث للخطیب لقد أتی بتاریخه: (اوصانی ابن اخی) بذا

ترجمه: همچنان که در حدیث از خطیب بغدادی در کتاب تاریخش چنین آمده: پسر برادرم به من سفارش نموده است.

شرح: شاعر به حدیثی از خطیب بغدادی اشاره می‌کند که ابوطالب فرمود: «حدّثنی محمد ابن أخی أنّ الله أمره بصلة الأرحام و أن یعبدوا الله لا یعبد منه أحد و محمد عنده الصدوق الأمین»، محمد پسر برادرم برایم حدیث نقل کرده که خداوند به صلهٔ ارحام به او دستور داده و اینکه خدا را عبادت کنند و هیچ چیز را با او نپرستند (برای خدا شریک قائل نشوند) و نزد او پیامبر راستگوی امین است. (مجلسی، ۱۹۸۳: ۹۰/۳۵ و ۱۱۶)

۲۱- و قد قال فیه المصطفی فی حدیثه (وصلت الرحم) فارحم الهی لمن رعی

ترجمه: پیامبر مصطفی در حدیث خویش درباره او فرموده است: (وصلت الرحم). پس خدایا رحم کن به کسی که این مسئله را رعایت کند.

شرح: شاعر به حدیث ابن عساکر و ابن سعد استناد می‌کند که از پیامبر در مورد ابوطالب نقل کرده‌اند که: خدا او را بیامرزد و او را رحمت کند. در کتاب دلائل النبوة بیهقی آمده که پیامبر فرمود که من با خویشاوندانم ارتباط دارم. روایت شده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

وقتی ابوطالب از دنیا رفت، پیامبر فرمودند: "وصلتک رحم و جزیت[1] خیراً یا عم" زیرا در کودکی مرا کفالت کرد و تربیت نمود، و در بزرگی یاری کرد و حمایت نمود. (موسوی، ۱۴۱۰: ۲۶۵)

۲۲- و ما جُمِع الایمان و الکفر فی فؤا د شخصٍ کذا الصدّیق فی مسندٍ روی

ترجمه: احمد بن حنبل ملقّب به صدّیق در کتاب مسند خویش (شماره ۸۵۷۷) روایت کرده است: «لا یجتمع الکفر و الإیمان فی قلب امرئ» ایمان و کفر در دل یک شخص با هم جمع نشده است.

۲۳- و قد فرح الکفار إذ غُیّب الثری و نالوا من العدنان ما لم یکن یُری

ترجمه: هنگامی‌که در دل خاک پنهان شد، کفار شاد شدند و به عدنان چنان صدمه‌ای رساندند که تا آن زمان ندیده بود.

۲۴- أحالوا علیه الضرب من کل جانب ولو کان حیاً لم یَنُل منهم الأذی

ترجمه: و از هر سو به او ضربه رساندند که اگر ابوطالب زنده بود، از جانب آنان هرگز اذیت و آزار او به آنها نمی‌رسید.

۲۵- لقد غیّب الترس القوی عن الدُنی فکم قد حمی قلب الرسول و کم فدی

ترجمه: این سپر قوی از جهان فانی رخت بر بست. چه سپری بود که قلب پیامبر را گرم کرده و جانش را فدای او نموده است!

شرح: در ابیات پیشین اشاره شده که قریش، تا زمانی که حضرت ابوطالب زنده بود، نمی‌توانست به پیامبر آسیب برساند. ولی پس از وفات ایشان، اذیت و آزار مشرکان شدّت گرفت. از ابن اسحاق[2] نقل شده که ابوطالب عموی پیامبر و یاور او بود و وقتی از دنیا رفت، پیامبر فرمود: "ما نالت منی قریش شیئاً اکرمه حتی مات

۱. این جمله‌ی دعایی برای شخصی به کار می‌رود که به خویشاوندان خود اهمیت می‌داده و با آن‌ها ارتباط داشته است.
۲. محمد بن اسحاق بن سیار مطلبی مدنی (د، ۱۵۱ ه) از مورخین عرب و اهل مدینه است. (زرکلی ۱۹۹۸: ۲۸/۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

ابوطالب" قریش به چیزی که مرا بیازارد دست نیافت تا ابوطالب از دنیا رفت (ابن عساکر، ۱۴۱۵،۶۶:۳۳۸)

۲۶- فبُورک قبرٌ حیث ضمّ ابا العُلا أباطالب فَلیهنأنَّ بک الثری

ترجمه: هنگامی که قبر ابوالعلا را در برگرفت، مُتبرّک شد. پس ای ابوطالب زمین بخاطر تو بهره‌مند شد.

۲۷- أباطالب یا مَن أجرتَ و لم تُجَر سوی أنّنا نُؤذی الحبیب و مَن هوی

ترجمه: ای اباطالب! ای کسی که پاداش دادی و پاداش داده نشدی، از جانب ما خیری نبود، جز این که ما حبیب خدا را و کسی را که او را دوست داشته، اذیّت و آزار می‌کنیم.

۲۸- فَمن قال جهراً: أنتَ فی النار خالدٌ فهذا أذی للمصطفی و لمن حَمی

ترجمه: چه کسی آشکارا گفت: تو در آتش جاودانه هستی؟ او کسی است که پیامبر را و کسی را که او را حمایت کرد، بسی آزُرد.

۲۹- أیُعفی عذاباً کل أثنین: مَن طغی ابولهبٍ عادی الرسول و مَن هدی

ترجمه: آیا هر دو نفر اینان از عذاب عفو می‌شوند؟ یعنی کسی که طغیان کرد (ابولهب که در حق رسول خصومت ورزید) و کسی که هدایت را برگزید (ابوطالب).

۳۰- و مروان فی جنّات عدن و ولده أجاروا علی آل النبّی بما جری

ترجمه: مروان و پسرانش در بهشت جاوید باشند، در حالی که بر خاندان نبی آنچنان که گذشت، ستم کردند؟!

شرح: شاعر توضیح می‌دهد که مروان بن حکم بن ابی‌العاص، عامل کشته شدن عثمان بود و در روز جنگ جمل به طلحه تیرانداخت و او را کشت. مروان و فرزندانش به خاندان پیامبر آزاری بسیار رساندند. با این همه، راویان حدیث اهل

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

تسنن آنها را اهل بهشت می‌دانند، زیرا خلیفه بودند و خلیفه هر چه بخواهد می‌تواند انجام دهد، به این دلیل که از جانب خدا این جنین قرار داد شده است!

۳۱- بخیلٌ لئیمٌ قد تأمّر طاغیاً و من عجبٍ راوی الحدیث له روی

ترجمه: مروان، شخص بخیل و فرومایه‌ای است که با سرکشی و طغیان تحکّم کرده و شگفتا که راوی حدیث به نفع او روایت کرده است.

۳۲- و هذا هشام ضاحکٌ بفعاله کما قد قضی ناموسه فبغی البَغا

ترجمه: این است که هشام به کارهایش می‌خندد، در آنچه که با ناموسش انجام داد و رابطه نامشروعی که با زن زناکار داشته است.

شرح: این دو بیت موقوف المعانی هستند و معنی‌شان با هم تکمیل می‌شود. شاعر به روایت بخاری در مورد مروان بن حکم اشاره می‌کند که: اسماعیلی و دیگران به او ریشخند می‌زده‌اند و اعمال ناشایست او را به راحتی نقل می‌کنند.

۳۳- و قد أمر الزُهریّ سرد حدیثه لأولاده... کم خلّطوا سُنن الهُدی

ترجمه: زهری ذکر حدیث او را برای فرزندانش أمر کرده است، پس چه بسا که شیوهٔ هدایت را خلط کرده‌اند.

شرح: زُهری، عالم و پیشوا در حدیث بود که هشام به او دستور داده بود، حدیث پیامبر خدا را برای فرزندانش املاء کند

۳۴- و کَم مِن جلیلٍ قتّلوا و کأنّما تربّوا علی الحقد القدیم کما ابتدا

ترجمه: چه بزرگوارانی را به ناحق کشتند، گویی که با کینهٔ قدیمی‌تربیت شده‌اند، همانطور که از ابتدا بودند

۳۵- فَزیدٌ و قد نال الشهادةَ بعد ما رموه بسهمٍ لیت شعری فما جنی؟

ترجمه: از میان آن بزرگواران، زید است که به شهادت رسید و بعد از آن به او تیر انداختند. ای کاش می‌دانستم به چه جنایتی؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

شرح: زید در اینجا زید بن علی بن الحسین است که هشام بن عبدالملک دستور داد در سال ۱۲۱ پس از اینکه او را دفن کرده بودند، قبرش را بشکافند و سر مبارکش را جدا کنند و برهنه او را بردار بکشند. (قمی، ۱۳۸۷: ۲۳۰۱)

۳۶- و قُطّع رأس لم یهن طلبَ العُلا هو ابنُ العلا، زینُ التقی ملک الحجا

ترجمه: سری قطع شده که در کسب بزرگی کوتاهی نکرده است. او پسر والامقام، زین العابدین، سلطان عقل و درایت است.

۳۷- و یحیی کذا نال الشهادة بعد ما و قُطّع رأس، لیت اُمی لهم فدا

ترجمه: پس از او یحیی بن زید بن علی این چنین به شهادت رسید، با سری قطع شده، ای کاش مادرم فدایشان شود.

شرح: یحیی در سال ۱۲۵، مانند پدرش به شهادت رسید و به دار آویخته شد. (همان منبع: ۲۳۱۵-۲۳۱۱)

۳۸- أطلتُ وقوفاً أذرف الدمع باکیاً علی علمٍ آذوه ظُلماً و قد زکا

ترجمه: دیر زمانی ماندم و گریه کنان اشک ریختم، بر نشانه‌ایی که از روی ظلم او را آزردند، در حالی که صلح کرده بود.

۳۹- فان غاب عنک الاصل یا صاحبی ففی ظهور فعال المرء تعرف مَن تشا

ترجمه: ای دوست و همراه من، اگر اصل از تو پنهان شده، پس اعمال آدمی در مورد کسی که می‌خواهی او را بشناسی نمایان کننده است.

۴۰- فکلّ امری ء یُبدی لیظهر أصلُه فَیُعرَفُ مِن أفعاله ولد الخَنی

ترجمه: پس هر انسانی چنان به نظر می‌رسد که باید اصلش را آشکار کند. بنابراین فرزند فحش و ناسزا از کارهایش شناخته می‌شود.

۴۱- حراص علی الدنیا و کرسی أمیرها فلا الحبُّ معروف لدیهم و لا الوفا

ترجمه: بسیار حریص نسبت (امور) دنیایی هستند و جاه طلبی امیر بر آنان است

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

پس نه مهرورزی و نه وفاداری برایشان شناخته شده نیست.

۴۲- و لا حبّ أوطان عرفن و لا التقی و لا حبّ أشراف عشقن و لا النقا

ترجمه: نه عشق به وطن را شناختند و نه پرهیزکاری را و نه به شیوهٔ شریفان و خالصان شیفته شده‌اند.

۴۳- و لا حبُّ أصحابٍ صحبن مع الهدی فکم ضیعّوا للناسِ مَن سبل الصفا

ترجمه: و نه عشق یارانی که با هدایت همنشین شدند. پس چه بسا برای مردم راههای نیک‌بختی را از بین بردند.

۴۴- لقد منعوا سبط الرسول و ولده بأن یزرعوا التنویر فی أفق الوری

ترجمه: مانعِ نوهٔ پیامبر و فرزندش شدند از این که بذر رهایی از بند خرافات را در عقل مردم بکارند.

۴۵- أضاعوا منار العلم أخذ طریقه بقتل رجال العلم مَن وضّحوا النثا

ترجمه: با بستن راه او گلدستهٔ علم را از بین بردند، یعنی با کشتن مردان علم، همان عالمانی که حدیث را شرح کردند.

۴۶- بنو هاشم اصل أصیل لهاشم کرام المزیا لا یُخالِطُهم زنا

ترجمه: خاندان بنی‌هاشم از نیک‌تباران برای بزرگ‌منشی هستند. مزیت آنها کریم بودن است و زنا با ایشان آمیخته نمی‌شود.

شرح: شاعر، بنی‌هاشم را قومی برگزیده می‌داند که هرگز به گناه آلوده نمی‌شوند. از رسول خدا نقل شده: خداوند از بنی اسماعیل کنانه را برگزید و از بنی کنانه، قریش و از قریش، بنی‌هاشم و از بنی‌هاشم من را.

۴۷- فَان قصد المأفون فیهم إساءةً فما زال یلقی مِن اساءته الضنی

ترجمه: اگر ناقص عقلی بخواهد به آنان بدی کند، پیوسته از بدی کردنش فرسودگی و خستگی می‌بیند و در واقع به خودش بدی کرده و ضرر رسانده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

است.

۴۸- ألا یا محبّ الهاشمی محمدٍ ففیک رسولُ الله أیقن بِالهدی

ترجمه: ای دوستدار پیامبر هاشمی! آگاه باش که رسول خدا به هدایت تو یقین دارد.

شرح: وقتی حضرت ابوطالب وفات یافت پیامبر پس از به جا آوردن آداب دفن خطاب به مردم فرمودند: "و الله لأ شفعن لعمّی شفاعةً یُعجب بها اهل الثقلین" به خدا سوگند در روز قیامت، از عمویم چنان شفاعتی خواهم کرد که إنس و جن از آن شفاعت متحیّر شوند. (موسوی، ۱۴۱۰:۲۶۵)

۴۹- فلا تعبأن بالمبطلین و زعمهم و قد حلّلوا قتل الوصیّ و مَن وفی

ترجمه: به سخن یاوه‌گویان و گمان آنان هرگز توجّه مکن، چرا که آنان کشتن وصی را و کسی که وفادار به او است، حلال دانسته‌اند.

شرح: شاعر در اینجا در شرح بیت خویش، به عمران بن حطّان و همدستان او اشاره می‌کند که کشتن حضرت علی علیه‌السلام را حلال دانسته‌اند. وصی در این بیت اشاره به حضرت علی علیه‌السلام است، و "مَن وفی" هر کسی است که وفادار و پایبند به حضرتش باشد.

توضیح: بیت ۶۱-۵۰ مربوط به مدح شاعر از اساتید و اقطاب خویش است که ترجمهٔ آن حذف شده است.

۶۲- فما لی سوی حب النبیّ و آله و لا عوض عنهم اذا الدهر قد عدی

ترجمه: من به جز محبّت به پیامبر و خاندانش سرمایهٔ دیگری ندارم. اگر چه روزگار دشمنی کرده است ولی من محبّت آنان را با چیزی عوض نمی‌کنم.

۶۳- و ما زلتُ أبغی حبّ آل محمدٍ و حتی مماتی لا أُبالی الی العدا

ترجمه: پیوسته تا زنده‌ام، حب خاندان حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در دل می‌پرورانم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

و به دشمنان اعتنا نمی‌کنم.

۶۴- فَصَلّوا علی خیر الأنام محمدٍ و آلٍ و صحبٍ ملء ما العمّ قدحمی

ترجمه: پس بر بهترین مخلوق، محمدﷺ و خاندان و یاران و عموی او که از او حمایت کرده است، درود بفرستید.

۶۵- و سوف یُجازی عن کریم صنیعه بعفوٍ کریمٍ مِن کریمٍ کما تلا

ترجمه: از جانب آفریدگار بخشنده، با عفوی کریمانه که در قرآن کریم آمده، جزا داده خواهد شد.

۶۶- ففی سورة الرحمن أصدق آیةٍ (وهل) لیت شعری فما جزا

ترجمه: در سورهٔ الرحمن گویاترین آیه است. و ای کاش می‌دانستم که پاداش چیست؟

شرح: شاعر در این بیت به آیهٔ «هل جزاءُ الاحسان الّا الاحسان» (الرحمن/۶۰) اشاره می‌کند و اینکه خداوند، پاداش نیکی افراد در دنیا را با پاداش نیک پاسخ می‌دهد.

۶۷- (و سوف یری) فی (النجم) أخبر ربُنا (و أن لیس للانسان الّا) و ما سعی

ترجمه: پروردگارمان در سورهٔ نجم خبر داده که روزی (پاداش تلاش خود را) خواهند دید و اینکه برای انسان چیزی نیست جز آن چه برایش بکوشد.

شرح: در این بیت، شاعر به آیهٔ «و أن سعیه سوف یری» (نجم/۴۰) اشاره می‌کند که انسان نتیجهٔ تلاش خود را خواهد دید. نیز به آیهٔ «و أن لیس للانسان الّا ما سعی» (نجم/ ۳۹)

هر دو آیه بر بازگشت اعمال انسان به او در روز قیامت تأکید دارند.

۶۸- و جزی اللهُ عنّا العمّ خیراً فانّه أبّرُ به من کل حبرٍ مدی الحیا

ترجمه: خداوند به عموی پیامبر جزای خیر دهد، زیرا او نسبت به ایشان از هر دانشمندی در طول زندگی بیشتر خیر رسانده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

شرح: شاعر در توضیح این بیت می‌نویسد: در مراسم دفن فاطمه بنت اسد مادر گرامی حضرت علی، حضرت پیامبر فرموده‌اند که بعد از ابوطالب کسی نسبت به من مهربان‌تر از این بانو نبود و من پیراهنم را به او می‌پوشانم برای اینکه از لباسهای بهشت بپوشد. الحیا در اینجا (الحیاة) بوده که شاعر به ضرورت شعری (ة) را حذف کرده است.

۶۹- علیک سلام الله یا علم الهدی کما شاء ربّ الناس دوماً الی المدی

ترجمه: ای پرچمدار هدایت! بر تو سلام، همانطور که پروردگار مردم همیشه تا أبد خواسته است.

۷۰- کذا آل بیتٍ من سلالة ماجدٍ أبی الحسنین الطّهر مَن نصر الهُدی

ترجمه: همچنین سلام خدا بر خانواده او از نسل بزرگان و پاکان، یعنی پدر امام حسن و امام حسین، که هدایت را یاری نمود.

(منظور شاعر، حضرت علی علیه‌السلام است).

۷۱- و فاطمة الزهراء و ابنیهما شبا ب جنّات عدنٍ رغم أنفٍ لمن عَتا

ترجمه: و سلام خدا بر حضرت فاطمه علیهاالسلام و دو پسر ایشان که جوانان بهشت جاودانه هستند، بر خلاف میل کسی که تکبر ورزید و خود را بزرگ پنداشت.

۷۲- فحُبّهم دینی و غایة مقصدی ونسکی توحیدی اذا الموت ما دنا

ترجمه: پس محبّت به آنان دین من و نهایت مقصد من است و یگانه راه و روش من، تا زمانی که مرگ فرا رسد.

پنجم. شریطه و دعاء

شریطه بخشی از قصیده است که شاعر برای جاودانه بودن ممدوح و ثبات محبّت خویش نسبت به او در قالب جملات انشائی بیان می‌دارد. بیت ۷۳ تا آخر قصیده در این مورد است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

۷۳- الهی ما لی بعد عفوک مطلب سوی أن تدیم الحب یا خالق الهوی

ترجمه: خدایا بعد از عفو و بخشش خودت درخواست دیگری ندارم، جز اینکه محبّت را در دلم پایدار کنی ای آفریدگار محبّت!

۷۴- بجاه رسول الله أشرف مرسل فذاک الذی یرجی اذا المرء ما ابتلی

ترجمه: (و برای خواسته‌ام) تو را به عظمت و جاه رسول خدا که شریف‌ترین پیامبر است همان کسی که هر انسان گرفتاری به او امید دارد.

۷۵- و من هو شفیعی یومٌ لا ینفع الغنی و لا ولدٌ یغنی و فی قلبه الأنا

ترجمه: و کسی که شفیع من است در روزی که ثروت و فرزند سودی ندارد و انسان را بی‌نیاز نمی‌کند و از شدّت گرفتاری و دشواری، هر کس در دلش آرزو می‌کند که مورد شفاعت قرار بگیرد.

۷۶- فحُبّی بقلبی و اللسان مع البقا أدافع عن آل النبی أولی العبا

ترجمه: محبّت من همیشگی و از دل و زبانم است، پیوسته از خاندان پیامبر و پنج تن آل عبا دفاع می‌کنم.

۷۷- أصاح تمسک بالحبیب و آله کما قیل: (کلُّ الصید فی صیدک الفرا)

ترجمه: فریاد می‌کشم تا تمسک بجویم به محبوبم و خاندانش، همانطور که گفته شد: "هر صیدی در شکار بزرگ‌ترست"

شرح: شاعر در شرح این بیت آورده است که این ضرب المثل اشاره به پسر عموی پیامبر، أباسفیان بن حارث است که می‌خواسته مسلمان شود ولی خجالت می‌کشیده، سپس به او اجازه داد و وقتی به خدمت پیامبر رسید، پیامبر به ایشان فرمود: ای ابوسفیان تو همانند کسی هستی که گفته شده: "کل الصید فی جوف

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

الفرا[1]" یعنی: مهمّ این است که تو به واسطه اعتقاد به من رستگار شدی.

۷۸- تنال بهم سراً و نیلاً الی العلا اذا بارقُ الاخلاص منک لهم بدا

ترجمه: به واسطه آنان مرا به طور ویژه بهره‌مند ساز، بهره‌مندی از نوع درجات عالی، هنگامی که صدق و صفا از جانب تو برایشان بدرخشد و آشکار شود.

۷۹- سلام علی آل النبی و صحبه و مَن تبع الإحسان ما ستر الدجی

ترجمه: پس سلام بر خاندان پیامبر و اصحابش و هر کسی که به نیکی از آنان پیروی کند تا زمانی که تاریکی را پوشاند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی قصیده

شاعر در این قصیده ۷۹ بیتی - که از نظر بافت افقی قصیده، قادر به بیان مفهومی مستقل در هر بیت بوده - این توانایی را در جهت عمودی و محتوای کلی نیز در پنج قسمت به زیبایی بیان نموده است که خلاصه و جمع مطالب به شرح زیر است:

۱- مطلع قصیده با بیان ارادت و محبّت به حضرت ابوطالب آغاز شده است و هستهٔ اصلی قصیده که مدح ایشان است به وضوح به خواننده ابلاغ می‌شود.

۲- پس از مطلع در ۵ بیت به تغزل پرداخته، یعنی مواردی همچون بیان عشق سوزان و وافر به حضرت ابوطالب، مخفی نمودن این علاقه بخاطر طعن مخالفان و سرزنش‌کنندگان و اینکه به خاطر علاقهٔ بسیار، ناچار محبّت درونی خود را فاش خواهد نمود.

۳- بازگشت یا تخلّص شاعر در بیت هفتم به موضوع اصلی و مدح ابوطالب و بیان خصائص ویژهٔ ایشان مانند خلق و خوی پسندیدهٔ ایشان، یاری به دین اسلام،

۱. اصل ضرب المثل در مورد سه نفر است که برای شکار می‌روند. اولی خرگوش، دومی آهو و سومی گورخر شکار می‌کنند. سومی که غنیمت بیشتری بدست آورده، در موردش این ضرب المثل بکار می‌رود، یعنی اینکه آنچه که تو بدست آوردی از صید دو نفر دیگر بهتر است (میدانی، بی‌تا: ۸۲/۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

ترجمه و شرح قصیدهٔ ایمان ابی‌طالب از دکتر عماد عبدالکریم سرور

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

به ویژه شخص پیامبر در ده سال مصاحبت پیامبر با عموی گرامی‌اش و حمایت بدون منت ایشان علیرغم تمامی آزارهایی که در این راه متحمل شدند.

۴- بیان غرض اصلی یا پیکره و تنهٔ اصلی قصیده با ارائه دلائل نقضی و اثباتی برای دفاع از ایمان حضرت ابوطالب که عبارتند از:

الف- دلائل نقضی:

الف-۱) چطور ممکن است کسی حامی پیامبر باشد ولی کافر باشد؟

الف-۲) مقایسهٔ حضرت ابوطالب با معاصران ایشان در برخورد با پیامبر

الف-۳) اشاره به محاصرهٔ اقتصادی مسلمانان در شعب ابوطالب و سه سال سختی

ب- دلائل اثباتی: در این بخش شاعر دلائلی را برای اثبات ایمان ابوطالب بیان می‌کند، به این شرح:

ب-۱) عباس بن عبدالمطلب شاهد اسلام ایشان بوده است.

ب-۲) ایشان از شجرهٔ طیبهٔ بنی‌هاشم هستند، که خاندانی شناخته شده و اصیل هستند.

ب-۳) تاکید خطیب بغدادی با ذکر اثبات ایمان ایشان در کتاب تاریخ بغداد.

ب-۴) استدلال احمد بن حنبل که کفر و ایمان با هم جمع نمی‌شوند.

ب-۵) ایشان به خاطر حمایت از پیامبر اسلام، اعتقاد خود را آشکار نکرده، برای آنکه در زمان حیات، همچون سپری محکم حمایت پیامبر را به عهده داشت.

ب-۶) تمام این حمایتها را بدون أجر و مزد انجام می‌داده است.

ب-۷) نسبت کفر را کسی به ایشان می‌دهد که خودش پیامبر را بسیار آزرده است.

ب-۸) چگونه می‌توان اسلام مروان و پسرانش را با آن همه جرم و جنایت، به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]

صرف خلیفه بودن قبول کرد، ولی اسلام حضرت ابوطالب را فقط به خاطر زعم و گمان بعضی مخالفان نپذیرفت؟

ب-۹) افشاگری شاعر از جنایات مروان و پسرانش و قتل بزرگانی همچون زید بن علی و یحیی بن زید.

ب-۱۰) تاکید بر این که پیامبر، ایمان ابوطالب را تأیید می‌کند.

ب-۱۱) بیان ارادت به استادان و اقطاب خویش و دِین شاعر نسبت به آنان و اینکه عشق و ارادت به اهل بیت را از آنان دریافته است.

ب-۱۲) اشاره به آیاتی که بیانگر پاداش نیک به یاران و حامیان پیامبر دارد، مثل آیه ۶۰ سوره نساء و آیات ۳۹ و ۴۰ سورهٔ نجم.

۵- در قسمت شریطه و دعا که بخش پایانی قصیده است، از خدا عفو و مغفرت می‌طلبد، محبّت و ارادت به این خاندان را افتخاری بزرگ می‌داند، از خدا می‌خواهد تا زمانی که زنده است این ارادت را از او نگیرد و بتواند همیشه مدافع اهل بیت باشد، همین مسئله در روز قیامت شفاعت او را بکند، در روزی که مال و فرزند برای انسان سودی ندارد.

منابع

قرآن کریم

۱. آذرنوش، آذرتاش، *فرهنگ معاصر عربی- فارسی*، نشر نی، چاپ نهم: ۱۳۸۷.

۲. ابن عساکر، حافظ ابی القاسم، *تاریخ مدینهٔ دمشق*، دار الفکر للطباعهٔ و انشر، ۱۴۱۵.

۳. احمدنژاد، کامل، *فارسی عمومی*، نشر طراوت، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۴. زرکلی، خیرالدین، *الأعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ هفتم، ۱۹۹۸.

۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا، *موسیقی شعر*، انتشارات آگه، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۶. طباطبائی، سید مصطفی، *فرهنگ نوین عربی- فارسی*، انتشارات اسلامیه چاپ پنجم، ۱۳۵۸.

۷. عماد عبدالکریم، سرور، *صحوةالطالب فی رد الشبهات عن ابی‌طالب*، چاپ اول: ۲۰۰۵-۱۴۲۶.

۸. قمی، عباس، *تتمةالمنتهی*، انتشارات دلیل ما، چاپ دوم: ۱۳۸۷.

۹. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة لذوی القربی*، اسوه- چاپ اول:۱۴۱۶.

۱۰. مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم: ۱۴۰۳.

۱۱. میدانی، احمد بن محمد، *مجمع الامثال*، بی‌جا، بی‌تا.

۱۲. موسوی، ابوعلی فخار بن معد، *ایمان ابی‌طالب*، قم، انتشارات سید الشهداء، چاپ اول: ۱۴۱۰.

۱۳. یعقوب، امیل بدیع، *موسوعةالنحو والصرف والاعراب*، انتشارات استقلال: ۱۳۸۸.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.13.49.13.4]